

حتم وجود و مشهود

# ذالك الكتاب لا ريب فيه

ارباب شريعت و طريقت را فخره هدايت و اصحاب معرفت حقيقت را نويد سعادت باد که درين  
زمان فبين اقران کتاب استطاب لب اللباب احاديث و قرآن گلشن از بهار ذوق و وجدان  
مخزن اسرار توحید می بینی به بقا بیس الحی بالسر الحروف به

# انشار

## حصه اول

و هاج قطب دار غوث و وزیر سلطان العارفين خليفة الله في السموات والارضين سر  
فلک الوارثه والعرفان المتصرف في الالوان روح المعرفة قلب الحقيقة نور محض وجود  
سبحت انت مقدس حضور حق قلب الاله توحيد حضرت خواجه غلام فرید رضی الله تعالی عنه که جمع  
کرده بنده رکن الدین برپا ستون ثابت الله تعالی علی الصدق والیقین است بفرمان هدايت  
بنیان مبتدا کاملین حجت الواصلین قطب الموحدين شیخ الاسلام محبوب الاهی مورد ناستناهی  
خواجہ محمد بخش سجاد نشین دام فیضه و متع الله الناس بطول بقاءه بحسن توجه  
فخر الامر اصا جتراده محمد عبد العليم خان صاحب بهادر امیر تونک سید

مطبع عن الکتابتاه معرقا و در حال  
در معبد مکره به تمامه معرقا و در حال



و لیاکم بلقاءه یک بیک بر میخوانند و میفکند که برینند که این جاتو همین حضرت علی السلام  
 و این جاتو اینست و دیگر انبیاء علیهم السلام کرده است و حقیقت حال آنست که در آنجا  
 همه در حضور او و بیرون از انجیل و تورات که هر دو محرف اند و از آن کتاب این ائمه  
 مفهوم میشوند در کتب خویش نوشته بود مگر مولوی را اطلاع بر این معنی نشده است  
 ازین جهت پیشگاه حضور نکو هوش مرزا صاحب بیان کرد اما حضور خواجہ البقاہ السید  
 تعالی همه قضا را و دانشید هیچ جوابش نفی نموند بعد از آن مولوی غلام انجیل  
 عرض کرد که قبل از آنچه مرزا صاحب نوشته است او میگوید نصارا را که آنچہ در انجیل و  
 تورات شما که محرف اند نوشته شده است که یسوع ابن الہ است و بتلیث و کفایت  
 قابل شده اید و دیگر قبا و اہانت کہ نسبت یسوع و دیگر انبیاء علیہم السلام از انجیل و  
 تورات بر سر آئین دین بر سر استبان است و این چنین یسوع نیز مفروضی است و آنحضرت  
 عیسی علیہ السلام کہ از نبوت او و اوصاف او و معجزات او قرآن شریف خبر میداد  
 عبد الہ است و او نبی الہ است و او نور چشمان ما است پس مناسب است  
 کہ دین این یسوع را کہ شما در دلها خود قرار داده اید بگزارد و ترک کنید و در حق حضرت  
 محمد مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم شب و تم و بخش گوید و دین اسلام را قبول کنید  
 و در دین این یسوع مفروضه شما را نپذیرد و ترک گوشت خواہم کرد حضور خواجہ البقاہ السید تعالی  
 فرمودند کہ این چنین است بعد از آن مولوی غلام دستگیر تہ کو عرض کرد  
 کہ آن خط کہ حضور بنام مرزا صاحب قادیانی نوشته اند مرزا صاحب آن خط حضور را در  
 کتاب خود ضمیمہ انجام آتم نوشته طبع کنانیدہ است و در اخبارات نیز از اطباء و کاتبان  
 در اطراف عالم شائع گردانیدہ است و آن خط حضور را سند قوی بر حقانیت توحش

و محبت بر حسب تدریج است و صلح است تمام و زمین گرفته است و میگوید که بیستید  
 که این چنین شیخ اکبر و اعظم که مقتدا می تمام جهان است بر صحت حال من اقرار دارد مرا  
 از عباد الله الصالحین و اندلس حضور را باید که با و سر کار نماند و بعد از آن جهان حمایت  
 فرماید برین طریق که برین طریق که برین فتنه که با و سر کار نماند و بعد از آن جهان حمایت  
 خود نویسد که حضور خواجه بقا الله تعالی بقیه برین فتونه که با و سر کار نماند و بعد از آن جهان حمایت  
 حضور خواجه بقا الله تعالی بقیه فرمودند که عبد الجبار و عبد الحق که آنها را مردم و بانی میگویند  
 نزد من خط و فرستاد و باید که شما مرا صاحب قادیانی را چهره من عباد الله الصالحین  
 نوشته این و جواب نوشتان نوشته بود که این خط و فرستاد صاحب من عباد الله الصالحین میباشند و این  
 من عباد الله الصالحین میباشند اگر چه شما مردم و بانی میخوانند بعد از آن نماز عصر را بجا میست  
 گذارند و مولوی غلام دستگیر ریاست در وقت خود رفت از گاه حضور خواجه بقا الله  
 تعالی بقیه فرمودند که مولوی غلام دستگیر و دیگر مولویان و علما نیز بر حق هستند چه ایشان هم  
 است دین و شریعت بوشش میکنند و کوشش میزنند و این علما که بودند که  
 همچون شیخ منصور راضی الله تعالی عنه را بردارند و نگاه فرمودند که مرا غلام احمد  
 قادیانی هم بر حق است و در عالم خود راست و صادق است و بهشت پارس و عباد  
 حق سبحانه و تعالی است و چون ترقی اسلام و اعدای مردم و شیعیان است  
 هیچ عام در دست مذموم و بیخ نامی منم اگر دعوی مددیت و عیسویت کرده است آنهم  
 از آن امر است که جائز است از قبول شخصیت و بخت این جا هر چه مردم گردیده است  
 استحضار آن زمان است که حضور خواجه بقا الله تعالی بقیه و نفی و ایا که بقا  
 بتقریب دعوت نواب صاحب صادق محمد خان عباسی و الی یاس است بهیو لپور که هر



صداق الارادت حضور خواجہ البقاہ الدتعالی است بمقام ویرہ اندرون حضور و تھانہ  
اقامت پذیر بودہ اند مقبوس ہشتاد و چہارم بوقت چاشت روز چہنہ تبلیغ  
دہم ماہ ذی الحج سال سیزدہ صد و چہار و ہم ہجری المقدس دولت پاسے بوس زیارت حضرت  
اقدس کہ عبادتے و سعادتے بہتر ازین نیست مسیر گردید و زاول مجلس از عرس شریف  
سور و تجلیات نامتناہی شیخ المشعل حضرت قبلہ محبوب الہی خواجہ خدابخش رضنی الدتعالی  
تعالی عنہ بود قوالان سہ گروہ حاضر بودند یکے گروہ قوالان چاچران شریف دوم گروہ مہارو  
سوم گروہ قوالان سکنتہ شیدانیاں و این ہر سہ گروہ ہمیشہ در ہمہ اعراس مبارک کوٹ شریف  
حاضر میشوند و گاہ از دیگر اطراف و اقایم چنانچہ قوالان اجمیر شریف و غیرہ نیز حاضر میشوند و  
گاہ میان برکت علی ہم شامل مجلس سماع اعراس میگرد و دگامے گروہ قوالان حاشا و  
واشارۃ حضور خواجہ البقاہ الدتعالی ببقائہ نوبت نبوت میرانید و حضور خواجہ  
البقاہ الدتعالی ببقائہ مشت مشت مبالغ و دناثیر ہر یک گروہ را عطا میفرماید الغرض  
مجلس سماع و سرود شروع شدہ بود کہ قطب الموحیدین حضرت خواجہ محمد بخش ادامہ الدتعالی  
تعالی بدوامہ رونق افزا مجلس شہتند حضور خواجہ البقاہ الدتعالی ببقائہ و نفعنا و ایاکم بقائہ  
ہمدین روز چاچران شریف بسواری محفہ و از دریا بسواری کشتی عبور نمودہ ناز عید خجی ہما بخادر  
دو آبہ یعنی بیٹ بجماعت گذار و ندانگاہ در محفہ سوار گشتہ در کوٹ شریف رسیدند و تجدید وضو  
نمودہ در مجلس سماع حاضر شدند گزشتہ مستند و اندرون روضہ مطہرہ رفتہ زیارت حضرت  
مشعل کج خویش منش گردیدہ بیرون آمدند و قریب گوشہ شرقی از صفہ مجلس برخ  
حق برزخ بطرف شمال کردہ برگم نشستند و اندرین اثنا قطب الموحیدین حضرت صاحبزادہ صاحب  
کہ پیش ازین بقبوس حضور خواجہ البقاہ الدتعالی مشرف نشدہ بودند سر خود را بران مبارک حضور خواجہ



ابقاء اللہ تعالیٰ ببقائہ تمامہ گریہ کردند و حضور خواجہ ابقاء اللہ تعالیٰ ببقائہ کمال شفقت و عنایت  
 دست حق پرست خود را بر پشت ایشان میگردانیدند آنگاه حضرت صاحبزاده صاحب  
 برت نشستند و حضور خواجہ ابقاء اللہ تعالیٰ سیوسے ہمہ حاضرین مجلس نظر گماشتہ فرمان کردند  
 کہ ہمہ کو دکان بے ریش و نابالغان را از مجلس سماع بیرون کنید و ہمہ دروازہ ہائے مجلس  
 خانہ بند کنید محض دو دروازہ کشادہ دارید یکے دروازہ از شمال و دوم از طرف جنوب پس  
 چند خادمان برخاستند و تعمیل این فرمان بجا آوردند و درین اثنا قوالان چاچڑانی این  
 دوبیت النشاد کردند

منزلے عشق از مگانے دیگر است	مرد این راہ را نشانے دیگر است
بسر بلزار صرافان عشق	زیر ہر داری و کانے دیگر است

برین ابیات چند صوفیان اہل صفاء و رقص آمدند و بندہ نیز در گریہ عرق بود و ہمہ حضار مجلس  
 مبتلا بعت صوفیان السعادہ شدند مگر حضور خواجہ ابقاء اللہ تعالیٰ ببقائہ پیش خود از  
 خدام خود قطار بستہ کنانیدند و خود بدولت پس تر آن قطار مردم کہ یکے از آئنا حضرت  
 قطب الموحیدین بودند نشستہ ماندند بعد از یک ساعت بر حضور خواجہ ابقاء اللہ تعالیٰ  
 ببقائہ اندران جا کہ نشستہ بودند واردی عظیم نزول کرد حضور را وجد در گرفت تا آنکہ بر خاستند  
 و بچویش تمام جنبش نموده رقص فرمودند و کلام مبارک عرق حینی از سر شرف فرود افتاد یک خادم بچنداد  
 برخاستہ محظوظ گرداد و بسیار رقص کردہ باز نشستند کہ آن حالت فرقت بعد از آن قوالی ازین کردہ قوالان این مہرہ گفت

جی آکمان تون دسا ماہین تدین ہو کر ڈسا	جی آکمان تون دسا ماہین ہر روپے ساوان کسا
جسد ظاہر باطن دکھیان تون ظاہر باطن تسدا	اس ہر روپے یا کنون دل کا نرسن دل نہ دسا

بر مہرہ خیرہ این دوہرہ حضور خواجہ ابقاء اللہ تعالیٰ ببقائہ بسید گریہ نمودند بعد از آن